

Examining the Divinity of Fire in Zoroastrianism

Seyyed Saeed Reza Montazeri¹

Roqayyeh Irandegani²

Mostafa Farhodi³

(Received on: 2025-04-07; Accepted on: 2025-07-22)

Abstract

Zoroastrianism, the ancient religion of the Iranian peoples, in addition to its attention to religious law and emphasis on ritual practices, also possesses an illuminative and esoteric dimension. *Behdinans* is the name by which the followers of this religion identify themselves. According to their traditions and teachings, which they regard as deriving from their messenger, they consider themselves obligated to observe religious and ritual practices, particularly acts of worship and prayer, which are performed individually or collectively before a luminous source. This involves turning their attention toward this luminous center, for which fire has been chosen on earth as its representative and qibla. The motivation underlying the Zoroastrians' attention to and emphasis on the radiance of fire, particularly during prayer, is the primary subject of this study. The central question of this article is whether Zoroastrians should be regarded as fire worshippers, or whether, in these centers of light, particularly in the sacred fire, they have perceived sparks of the divine manifestations of God.

Keywords: divinity, fire, Behdinans, Zoroastrianism

1. Associate Professor, Department of Religions and Mysticism, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran.

Email: ssmontazery@ut.ac.ir

2. PhD Graduate in Religions and Mysticism, specialization in Ancient Iranian Religions (Corresponding Author)

Email: helmazolfa@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Eastern Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran

Email: mfarhodi@urd.ac.ir

بررسی الوهیت آتش در دین زردشتی

سید سعید رضا منتظری^۱

رقیه ایرندگانانی^۲

مصطفی فرهودی^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱]

چکیده

دیانت زردشتی که دین باستانی اقوام ایرانی است، علاوه بر توجه به شریعت و تأکید بر مناسک، از ساحتی اشراقی و باطنی نیز برخوردار است. به‌دینان، نامی است که پیروان این دین بر خود نهاده‌اند؛ بر طبق سنت و آموزه‌هایشان که آن را منبعث از پیام‌آورشان می‌دانند، خویشتن را ملزم به اجرای آداب دینی و آیینی، به‌ویژه آداب نیایشی می‌دانند که انجام آن به‌صورت فردی و جمعی در برابر منبعی تَیَر، برگزار می‌شود و آن توجه به این کانون نوری است که در زمین آتش را به‌عنوان نماینده و قبله آن برگزیده‌اند. انگیزه توجه و تأکید زردشتیان به‌ویژه در هنگام نیایش به‌سوی فروغ آتش، هدف اصلی این پژوهش است. پرسش اصلی این نوشتار این است که آیا زردشتیان را می‌بایست آتش‌پرستان نامید، یا اینکه آنان، در کانون‌های نور به‌ویژه آتشِ مُطَهَّر، شراره‌هایی از جلوه‌های الوهی پروردگار را مشاهده کرده‌اند؟

واژگان کلیدی: الوهیت، آتش، به‌دینان، دین زردشتی

۱. دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران، ssmontazery@ut.ac.ir.

۲. دانش‌آموخته دکتری رشته ادیان و عرفان گرایش ادیان ایران باستان، (نویسنده مسئول) helmazolfa@gmail.com.

۳. استادیار گروه ادیان شرق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، mfarhoudi@urd.ac.ir.

مقدمه

حکمای عهد باستان، هستی را قوام یافته از چهار آتش، آب، خاک، باد و آتش می دانستند. از میان این عناصر، عنصر آتش به دلیل آسیب پذیرتر بودن، نسبت به سایر عناصر و به دلیل اهمیت و نقش آفرینی در پخت غذا، گرما بخشی در سرمای زمستان، نور افشانی در شب های تاریک و نقش محوری در ذوب فلزات، اهمیت ویژه ای یافت. نقش معنوی آتش و جایگاه خاصی که در مناسک آیینی پیروان سایر ادیان داشت، حائز اهمیت دوچندانی بود. به طور مثال در میان مردم بین النهرین، آتش دارای دو کارکرد بود، کارکرد نخست آن را می توان قداست و خدا گونگی آن دانست، ایزد یا ایزدانی نیز به این هدف اختصاص داده اند... «در اسطوره های بابل، ایزد آتش، جبیل فرزند انو بود. یکی دیگر از ایزدان آتش، نوسکو نام داشت که او را پیام آور بلند پایه بعل، می خواندند و در قربانی ها به او متوسل می شدند» (ژیروان و دیگران، ۱۳۸۶: ص ۸۳-۸۲). کارکرد دیگر آتش را باید سلحشی دانست که از آن در نبرد خدایان استفاده می شد. هنگامی که خدای مردوک برای نبرد با تیامت آماده می شد، آذرخش به عنوان سلحشی قوی به حساب می آمد، از این رو مردوک آذرخش را در کالبد خویش به صورت همیشه فروزان قرارداد (مک کال، ۱۳۷۵: ص ۷۷). آتش و آذرخش در اندیشه مردم چین از عصر باستان تا کنون به عنوان درخیم و کيفر دهنده آسمانی شناخته می شود. تقدس و خدا گونگی آتش در باورهای این مردم همچنان رایج است. چینیان باستان به خدای آتش تس اونگ نام نهاده و برای او نیایش و نذورات مختلفی تقدیم می کردند (کریستی، ۱۳۸۴: ص ۷۰). آتش در میان هندوان باستان، جایگاه الوهی داشته و واسطه ای میان، زمین، آسمان، انسان و خدایان بوده و آگنی نام داشته است. آگنی نماد اخگر زندگانی و پایه و اساس زندگی انسان ها، حیوانات، گیاهان و ماهیان محسوب می شود. فروکش کردن و دوباره شعله ور شدن آن، برای تجدید و احیاء آفرینش، امری حیاتی است (ایونس، ۱۳۸۱: ص ۲۵). آتش در اسطوره های یونان از قداست و احترام ویژه ای برخوردار بود و برای آن ایزد یا ایزدانی در نظر گرفته بودند. هفائستوس خدای آتش و هستیا خواهر

ژئوس، الهه اجاق محسوب می‌شدند. هر شهر یک اجاق مخصوص هستیا داشت که اجازه نمی‌دادند هیچ‌گاه خاموش شود (همیلتون، ۱۳۸۷: ص ۴۳-۴۴). در اعتقاد رومیان باستان، الهه آتش، وستا نام داشت و باور داشتند دوشیزه‌ای پاک طینت شعله فروزان آتش مقدس را، به معبد وستا برده است؛ این دوشیزه، نماد پاکی و طهارت در میان رومیان باستان بود. قسمت اعظمی از روم باستان به پرستش وستا می‌پرداختند و افرادی به نام وستالها مراقبت از معبد وستا را بر عهده داشتند. در میان رومیان، کانون هر خانواده متشکل از خانه و اجاق خانه بود که به آن کانون گفته می‌شد؛ لذا واژه لاتین کانون به معنای اجاق و آتش بکار می‌رفت (پرون، ۱۳۸۱: ص ۴۶-۴۷). در متون دینی یهود، بارها از واژه آتش استفاده شده است؛ و بر طبق مضامین تورات می‌توان اهمیت و قداست آتش را در این دین مشاهده نمود. آتش در عهد عتیق لطیف، پاک، دارای الوهیت و در زمره عناصر چهارگانه محسوب شده است. بر این اساس می‌توان آیاتی از عهدین که در اوصاف و تجلیات خداوند به عنوان آتش است، استناد کرد: «او آتش سوزاننده و خدای غیور است» (تثنیه، ۲: ص ۲۴)؛ «درخشندگی حضور او ابرهای تیره را کنار زد و تگرگ و شعله‌های آتش پدید آورد» (اشعیا، ۱۱: ص ۲). یهوه خدای اعلای هستی، خود را به صورت آتش در بوته‌ای نمایان ساخت (محصل، ۱۳۶۹: ص ۱۰۵) و «خداوند از میان آتش با او سخن گفت و فرامین و احکام الهی ده فرمان از میان آتش بر موسی نازل شد.» (عهدین، ۴: ص ۱۳ و ۱۱). رد پای الوهیت آتش در بین مسیحیان دیده می‌شود. برافروختن آتش در اولین یکشنبه چله پرهیز، اولین سه شنبه اعتراف شب عید پاک، مراسم یهودا سوزان و برگزاری موسم عید پاک شنبه پیش از یکشنبه پاک نیز جشنواره آتش برگزار می‌شود (فریزر، ۱۳۸۷: ص ۷۳۳-۷۲۸). در دین اسلام، خداوند متعال بر حضرت موسی (ع) به صورت آتشی بر روی درخت تجلی یافت (طه، ۱۲) واژه آتش یا نار در قرآن کریم ۱۳۹ بار به کار رفته است و بر مفاهیمی چون آتش جهنم، اوصاف اهل جهنم، تشبیه خوردن مال حرام به آتش، آفرینش جن و شیطان از آتش، سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم، تجلی خداوند بر حضرت موسی در هیئت آتش اطلاق شده است.

در باورهای اسلامی، ابلیس در زمره فرشتگانی است که مورد غضب الهی واقع شده و از گروه جنیان و پادشاه آنان هست. طبق تفاسیر قرآنی، خداوند متعال گروهی از فرشتگان را از جنس آتش خلق فرموده و به آنان لقب جان عطا فرموده و زمین را مأوای ایشان قرار داده بود. این گروه در زمین به فساد و تباهی مشغول شدند، لذا خداوند به ابلیس که در آسمان عبادت بسیار انجام داده بود، همراه با گروهی از فرشتگان به سوی زمین برای پراکندن اجنه از زمین گسیل داشت. پس از این واقعه ابلیس مهتر این جهان و ساکنانش و مهتر فرشتگان گشت (طبری، ۱۳۵۶: ص ۸۵۴-۸۵۱). در دین شینتو در ژاپن، آتش از پیوند میان ایزاناگی و ایزانامی خدایان مقدس مذهب شینتو، هستی یافته است (صالحی علامه، ۱۳۸۸: ص ۵۷).

اقوام هندوایرانی نیز به آتش نگاهی توأم با احترام و تکریم داشته و در ستایش و نیایش آن می‌کوشیده‌اند. آنان آتش را نیرویی می‌پنداشتند که در همه چیز ساری و جاری بوده و آن را مایه ثبات و قوام عالم هستی برمی‌شمردند. این عنصر در آسمان به شکل خورشید و در فضا به صورت آذرخش نمود پیدا می‌کرد و در اعماق زمین و در عمق گیاهان و نباتات نهفته بود؛ لذا بر اثر سایش سنگ‌ها و نیز ساییده شدن دوتکه چوب، پدیدار می‌شد. آتش در اندیشه ایرانیان باستان به‌ویژه در میان پیروان مزدیسنا، علاوه بر جنبه‌های آیینی در زمینه‌های آفرینش هستی و کیهان، رستاخیز و فرجام انسان‌ها، در داوری‌ها و آزمایشات سنگین زندگی بشر، نقش آفرینی می‌کند. از آنجاکه آتش مهم‌ترین کانون پرستش و عبادت پیروان مزدیسنا به حساب می‌آید و مناسب آتش در قلب زندگی عبادی و آیینی زردشتیان جای دارد و در آن مفاهیم عمیق الهیاتی نهفته است (Boyce, ۱۹۷۵: p۴۵۴)) پیروان سایر ادیان از روی ناآگاهی یا مغرضانه پیروان این دین را متهم به آتش پرستی نموده، حال آنکه ایشان به تأسی از پیامبر خویش، آموزه‌ها و کتب مقدسشان، بالوهیتی که در شراره‌های آتش مشاهده می‌کنند، روانشان را هر روز در آرامش در فضایی آرام و روحانی، فروغ درونی‌شان را با فروغی که در بارگاه اهورامزدا نورافشانی می‌کند، اتصال داده و پیوندی ناگسستنی میان خود و اهورامزدا برقرار می‌سازند.

تقدس آتش در اندیشه ایرانیان باستان

در نگاه انسان اولیه آتش به اندازه‌ای سودرسان و شگفت‌آور بود که آن را یکی از معجزات می‌پنداشت و سبب شد تا توجه و احترام خاصی به آن قائل شود، چراکه آتش او را به شاهره تمدن پیوند داد (وایت، ۱۳۶۹: ص ۱۷۹). رفته‌رفته این توجه سراسر اندیشه انسان اولیه را درنوردید و نسل به نسل از روزگار کهن تا به روزگار فعلی در داستان‌ها، اساطیر و اندیشه‌های دینی حضوری انکارناپذیر به خود اختصاص داد. مردم باستان نیز در اندیشه‌شان این احترام و تکریم را تا جایگاه قداست به پیش بردند و در روزگار باستان در میان ایرانیان به پیروی از سنت هندو- ایرانی، آتش ارزش و قداست یافت. از آنجاکه انگاره تقدس آتش، در میان مردم آریایی به واسطه زندگی در استپ‌های یخبندان سیبری، بسیار مهم جلوه می‌کرد، پس از مهاجرت، برای یافتن چراگاه‌های سرسبز برای دام‌هایشان و زندگی آسوده‌تر و رفاه بیشتر برای خودشان، در یک قلمرو جغرافیایی جدید، این انگاره را نسل به نسل حفظ نموده و به عنوان میراثی جاودان و ذی‌قیمت به نوادگانشان در ایران باستان و هند باستان هدیه دادند که همچنان پس از طی قرون متمادی در میان زردشتیان و هندوان به یادگار حفظ شده است (بویس، ۱۳۹۳: ص ۴۹).

ایرانیان باستان که آتش را مظهر خرد، علم، کمال می‌دانستند پس از آشنایی با پیام آسمانی اشو زردشت، بارقه الوهیت شراره‌های آتش را که ارمغان نیاکانشان در عصر هندواروپایی بود، مشتعل ساخته و به یقین رسیدند که آتش می‌تواند آنان را از تاریکی ظلمت به روشنایی علم و دانایی منور سازد. با سوختن و سوزاندن، بیش از هر پدیده دیگری در گیتی، می‌تواند معرفت ایجاد کند و پیوندی ناگسستنی میان انسان و اهورامزدا برقرار نمایند. آنان اطمینان داشتند که به واسطه الوهیت شراره‌های آتش مقدس، می‌توانند روان ناآرام خویش را، به محضر اهورامزدا عروج داده و توأمان آرامش و نیکویی را نصیب خود کنند؛ در عین حال با تکریم آتش و برگزاری مناسک و شعائر آیینی، در مقابل این عنصر مقدس، به وظیفه اشونی

خویش عمل نموده و قوای نیکی ایزدان و اشونان را در مقابل حمله‌های ویرانگر اهریمن و نیروهایش پشتیبانی کرده و از آفرینش نیک اهورامزدا عقب برانند. بدین سان آتش در زمره نخستین قدیسین بشریت قرار گرفت (بویس، ۱۳۹۳: ص ۴۹).

زردشت در سنت دینی خویش جایگاه خاصی برای آتش تعیین نمود که با اندیشه مردمان آن عصر قرابت داشت. او آزمون وَر با آتش را یکی از مُستندترین روش‌ها برای اثبات بی‌گناهی بی‌گناهان مشخص کرد و خود نیز برای اثبات حقانیت دین جدیدش تن به آزمون وَر داد. این باور که آتش مردمان پاک را نمی‌سوزاند و نیز داوری به آتش برای سنجش راست از دروغ به گذشته‌های بسیار دور غیرتاریخی و اساطیری هند و ایران برمی‌گردد. برای رسیدن به حقیقت، متهم یا طرف دعوی می‌بایست از آتش می‌گذشت یا فلز گداخته و مذاب بر کف دست یا سینه او می‌ریختند و چنانکه آتش وی را نمی‌سوزاند بی‌گناهی و صداقت او آشکار می‌شد... سوگند به آتش نزد هند و ایرانی‌ها سابقه‌ای دراز دارد (رجبی، ۱۳۸۰: ص ۲۰۷). داوری با آتش برای تشخیص حقیقت در اوستا به نام وَره و در پهلوی و فارسی به صورت وَر آمده است. در اوستا و متون پهلوی اشاراتی در خصوص اقسام وَر ذکر شده است (عفی، ۱۳۸۳: ص ۶۳۴). در رشن یشت که دوازدهمین یشت بوده به چهار نوع وَر اشاره شده است (رضی، ۱۳۷۹: ص ۳۹۴).

آتش و اجاق خانوادگی

با بررسی سرگذشت جوامع ابتدایی، به سهولت می‌توان به جایگاه آتش و نقش حیاتی آن، به واسطه گرمابخشی، حرارت دهی و برآوردن نیازهای انسان پی برد. آنان معتقد بودند که آتش هدیه خدایان به آنان بود. در نتیجه دو کارکرد مثبت و منفی آن نمودی خاص داشت. کارکرد دوگانه آن، شامل عبور از میان شراره‌های بلند آتش، برای اثبات پاکی و بی‌گناهی و کارکرد دیگر آن ابزاری برای پاک شدن و پالوده شدن محسوب می‌شد. در بینش و نگرش

آنان، شراره‌های بلند آتش، هیچ‌گاه انسان پاک‌طینت و درست‌کردار را نمی‌سوزانند و از سوی دیگر این شراره‌ها، توانایی نابود کردن تمام چیزهای بد، شوم و افراد نابکار را، در کمترین زمان ممکن داشت. بر طبق این دیدگاه، آتش ایزدی داشت که از نیکان پشتیبانی می‌کرد و بداندیشان و ناپاکان را به اشد مجازات می‌رساند. لذا برای آتش همیشه مقام الوهی قائل بودند و داستان‌ها و افسانه‌های زیادی در این باره سراییدند (بویس، ۱۳۹۳: ص ۴۹).

در میان اقوامی که دارای آتش خانوادگی بودند، در صورت ازدواج یکی از اعضای خانواده و تشکیل زندگی مشترک، طی مراسمی، شعله‌ای از آتش خانوادگی به وی عطا می‌شد تا آتش کانون خانوادگی خویش را با آن بیفزود. با آغاز شهرنشینی آتشگاه‌ها و معابد بزرگ برپا شدند. برای انجام مناسک آیینی گروهی، علاوه بر آتش مقدس، اغلب آتش‌های خانوادگی، برای نگهداری، حفاظت و تکریم، به معابد بزرگ منتقل شدند. لازم به ذکر است که آتشگاه‌های خانوادگی تا مدت‌ها پس از تأسیس این آتشگاه‌های بزرگ برقرار بودند، اما هر خانواده نوبنیادی می‌توانست بدون هیچ دغدغه‌ای از آتش آتشکده بزرگ، آتشگاه خانوادگی خود را روشن کند. رسم بر این بود که هر قوم، ایل و طایفه‌ای در زمان مهاجرت کردن، آتش اجاق خانوادگی خود را که دارای ارزش و احترام خاصی بود با خود به مکان جدید برده و با آتش اجاق خانوادگی مکان جدید پیوند داده تا اتحادی میانشان برقرار شود (اوشیدری، ۱۳۷۸: ص ۶۲).

در اندیشه مردمان باستان، برای خوشنودی ایزد آتش و تأیید بر مقام الوهی آن، هنگام روشن نمودن آتش، بر تخت نشینی آن، انجام مناسک دینی و آیینی در حضور آن، اوراد و اذکار خاصی زمزمه می‌شد و یا پیشکش‌ها و نثارهایی، هم‌زمان با خواندن اوراد به آتش، به ویژه آتش مقدس تقدیم می‌شد. این سنت در دنیای کنونی، به ویژه در میان ادیان و ملل شرقی، به محض روشن شدن چراغ و دمیدن نور در مکان تاریک، خود را به صورت فرستادن درود و تهنیت آیینی حفظ نموده است. ایرانیان معاصر اعم از زردشتی و مسلمان هنگام

دمیدن نور در مکان تاریک و یا پس از جریان قطع برق، به محض وصل شدن برق و روشن شدن لامپ، به پیروی از این سنت کهن، شروع به فرستادن صلوات و تهنیت می‌کنند (اوشیدری، ۱۳۷۹: ص ۷).

از آنجاکه در گذشته‌های دور امکانات گسترده‌ای برای حفاظت و نگهداری از آتش به‌ویژه آتش مقدس، مهیا نبود، بزرگان خانواده‌های زردشتی و موبدان همواره در حال نگهداری و حفاظت از آتش به‌ویژه آتش مقدس بودند؛ چراکه خاموشی هر آتش گناهی عظیم محسوب می‌شود و سپاه اهریمن قدرت تاخت و تاز بیشتری در قلمرو نیک اهورامزدا پیدا خواهد کرد و نیز یکی از ابزارهای مهم آسایش و آرامش زندگی به‌دینان برهم می‌خورد (بویس، ۱۳۹۳: ص ۲۸۱)؛ لذا آنان به‌صورت مداوم برای روشن نگه داشتن آتش، به‌ویژه آتش اجاق خانوادگی، تلاش و ممارست می‌کردند. روشن نگه داشتن اجاق خانوادگی، جزو آیین‌ها و باورهای اقوام گوناگون به‌ویژه آریاییان بود. در روستاها و سایر بخش‌ها گنبدهایی برای آتش ساخته می‌شد تا هم به‌طور مستقیم از تابش انوار خورشید بر آتش مقدس جلوگیری نمایند و هم آتش را از صدمات احتمالی و هرگزندی محافظت نمایند. هر قوم و قبیله نیز آتش خود را داشت و پیشه‌وران نیز هرکدام برای خود آتشی داشتند و هنگام کوچ و مهاجرت آتش خود را به همراه می‌بردند که مبادا در غیاب آنان، بر اثر نبود مراقب و یا بر اثر کینه دشمن بدخواهی خاموش گردد. آتش که یادگار نیاکان بود، پس از چندی برای یگانگی و همبستگی، آتش گنبدهای پیشه‌وران مختلف را یکجا نموده و به جای اینکه هر صنفی آتشگاهی ویژه داشته باشد، همه باهم در مکانی همگانی آتش‌ها را به هم آمیختند و این‌گونه پرستش سو و قبله را یکی کردند (اوشیدری، ۱۳۷۹: ص ۸). در سنت زردشتی آتش اجاق همیشه فروزان است و کانون آداب و رسوم دینی و پرستش‌های خانوادگی محسوب می‌شود. رسم دیرینه خاموش ساختن آتش اجاق خانه در زمان مرگ شاه یا فردی بزرگ تا همین اواخر در روستاهای زردشتی نشین ایران، انجام می‌شد و تا اتمام مراسم تشییع و تدفین، هیچ

آتشی در خانه‌ها روشن نمی‌کردند. این رسم کهن به دوران پیش از هخامنشیان برمی‌گردد (بویس، ۱۳۹۳، ج ۳: ص ۳۸). دین زردشتی قدیم از نظر آموزه و مراسم غنی بود، ولی به نظر می‌رسد تقاضای مادی معدودی از پیروانش داشته است. نثار کردن به آتش اجاق، سبب تقویت ایزد آتش اجاق می‌شود که وجودش در هر خانه‌ای لازم و ضروری هست. عبادت دسته‌جمعی، پیرامون آن خواه در مکان‌های مرتفع و خواه جشن‌های فصلی، به ساختمان یا رده‌ای مخصوص از روحانیون نیاز ندارد؛ این سنت پس از قرن‌ها همچنان در میان زردشتیان ایران حفظ شده و رعایت می‌شود (مزدایور، ۱۳۹۵: ص ۱۹۲).

فلسفه رو به آتش نمودن زردشتیان هنگام نیایش

در روزگاران قدیم، ایرانیان باستان و نژاد آریا، از همان آغاز به نور، روشنایی و فروغ فروزان توجه خاصی داشته و اهورامزدا را نور گُل یا نورالانوار یا شیدان شید می‌دانستند. هر فرد باایمان و دین‌دار، فارغ از هر دین و آیین، به دور از دل مشغولی‌های زندگی، در شرایط سخت و دشوار، خود را نیازمند، خلوتی آرام با معبود خود می‌بیند که نجوا و مناجات نموده و از بخشش‌های بی‌منت و پیوسته معبود، سپاسگزاری کند. برای آن بخشی از گرفتاری‌هایی که وی را مأیوس و مستأصل کرده، نیایش خالصانه نموده تا گشایش ایزدی، آشفته‌گی روحی و روانی او را مرتفع سازد. هرچند که آفریدگار هستی، نسبت به تمام آفریده‌هایش، حاضر، ناظر، دانا و بیناست، انسان در همه حال، به‌ویژه در خلوت‌ها و ژرفای دل، می‌تواند معبود خود را احساس کند و بازشناسد؛ اما بهتر آن است که درجایی باصفا و معنوی، خلوت برگزیند و پیوندی ناگسستنی با معبود اختیار کند. بدین منظور پیروان ادیان و آیین‌های جهان، هرکدام به فراخور آموزه‌های دینی‌شان، مکانی را برای خویش برگزیده‌اند. یهودیان کنیسه را، مسیحیان کلیسا را، مسلمانان مسجد را، هندوان معبد را و زردشتیان آتشکده و آتش مقدس آن را و دیگر طریقت‌ها معبد، دیر، زیارتگاه و برخی بتکده و انسان‌های اولیه در دل

غارها با معبودشان به نیایش و ستایش می پردازند (اوشیدری، ۱۳۷۸: ص ۱۷). اشوزردشت به پیروانش چنین می فرمود: از آنجایی که خداوند بزرگ، سرچشمه همه روشنایی های هستی محسوب می شود، برای نزدیکی به وی باید به هنگام نیایش و پرستش، رو به سوی نور، فروغ و روشنایی کرد. همچنان که روشنایی هست، تاریکی و ظلمت نیز هست، تاریکی فقدان نور یا نبود نور است. زردشت از پیروانش می خواهد که با اتحاد فروغ های درونی و ظاهری، به فروغ مطلق دست یابند. از نظر وی، فروغ معنوی هرانسان، از پاک کردن وجود خود به نور هومت، هوخت، هورشت و پرهیز از دژمت، دژهوخت و دژهورشت به رشد و تعالی دست یافته و به جاده حق و حقیقت می رسد (همو: ص ۲۵).

از آنجاکه، پیشینه اهمیت به آتش، نگهداری آتش، تکریم آتش، برگزاری مناسک آیینی به محوریت آتش و ایجاد آتشگاه، یک سنت باستانی و به ویژه آریایی محسوب می شود و به پیش از حیات و زندگانی زردشت می رسد، وی پس از مکاشفه و دیدار اهورامزدا و امشاسپندان، بدون آنکه با رسالت یکتاپرستی او منافاتی ایجاد شود، به آتش جنبه اخلاقی و معنوی بخشید و آن را، نشانی از پاکی و طهارت بی حد و حصر دانست که هر بهدین، با تکریم، انجام ستایش و نیایش اهورامزدا، در مقابل این عنصر مقدس، الوهیت آن را درک خواهد کرد، به نیروی خاص آن برای زدودن ناپاکی ها و ناخالصی های جهان و برقراری راستی و درستی پی خواهد برد. هر بهدین با تعامل دوسویه با آتش می تواند در قبال محافظت و نگهداری و حفاظت آتش، پشتیبانی، نیروبخشی، نجات بخشی و شفایابی را، از الوهیت آتش دریافت نماید. از این حیث، به سهولت می توان توجه بهدینان را هنگام ستایش، نیایش و انجام مناسک دینی در مقابل آتش مقدس را دریافت (بویس، ۱۳۹۲: ص ۱۰۳). از آنجاکه فرد بهدین باید نماز گزاردن را روزانه، در مقابل یکی از این فروغ ها، به صورت ایستاده انجام دهد: نور، فروغ آتش، آفتاب، چراغ، شمع، آذرخش، روشنایی ماه، روشنایی ستاره و چنانچه هیچ یک از این فروغ ها و روشنایی ها در دسترس نباشد، فرد می تواند در

روشنایی‌های مصنوعی، نیایش خود را انجام دهد و پیوند خود را با مرکز آفرینش برقرار سازد. نمازگزار باید این عمل را ایستاده در مقابل آتش انجام دهد، آتش به او یاری می‌دهد که اندیشه‌اش را بر حقیقت و عدالت اهورامزدا متمرکز نماید. (بویس، ۱۳۸۶: ص ۱۵۴).

بدین سان رونهادن زردشتیان هنگام عبادت به سوی نور و فروغ رامی‌توان چنین شرح داد که هرگاه نمازگزار، در برابر نور و دیگر فروغ‌ها، به نیایش اهورامزدا می‌پردازد، می‌داند که اهورامزدا را نیازی به نماز او نیست، بلکه خود نیاز دارد تا با نیایش و نماز، روان و درون خود را پاک و شادمان ساخته، آن را نیرویی بخشیده که می‌تواند تنگ‌خانه دل را به فروغ اهورایی روشن گرداند. کما اینکه زردشت، تن و روان و نیز اندیشه نیک و همه نیروی خود را به پیشگاه اهورامزدا نیاز می‌کرد. به بیانی دیگر می‌توان گفت، نور که زاییده آتش است، نزد تمام اقوام، گرمی بوده و در اغلب کتب آسمانی، خداوند نور محض، نور حقیقی و یا نورالانوار قلمداد شده است. تمام نورهای مادی که در این جهان پهنار وجود دارند، مظهر و نمونه‌ای از نور حقیقی محسوب می‌شوند. لذا به‌دینان، نور را پرستش سوی خود قراردادده، رو به نور و فروغ، نیایش اهورامزدا را بجا می‌آورند تا بدین وسیله به نور حقیقی که همان اهورامزدا و نورالانوار است، نزدیک‌تر شوند. لازم به یادآوری است که در پرستش سوی یا قبله، مقصود نور است، نه آتش و این تجلی نور کُل است. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد همه یکتاپرستان جهان خداوند را نورالانوار می‌دانند و زردشتیان راه خود را به وسیله نور چه طبیعی و چه غیرطبیعی به سوی نورالانوار باز می‌کنند (اوشیدری، ۱۳۷۹: ص ۹).

اگر زردشت در گاهان این سروده‌های مینوی و آسمانی، در برابر دهش‌ها و بخشش‌های اهورایی سپاس می‌گذارد برای شادمانی خود اوست نه اینکه چشم‌داشتی در کار باشد و نه برای آنکه از دهش‌ها بهره خواهد برد؛ زیرا دهش‌های خداوند بدون هیچ چشم‌داشتی در دسترس همه قرار دارند. پس ستایشی که اشوزردشت در گاهان، در برابر نور و فروغ ایزدی به‌جا می‌آورد، نه از روی ترس و واهمه است، نه برای نیاز و پاداش، پیامبر از روی دلدادگی

و دوستداری برای نیایش برمی‌خیزد و اهورامزدا را ستایش می‌کند. بدین‌گونه بود که زردشت نماز و نیایش را مینوی کرد. نماز وی گونه‌ای درون‌نگری و خروش دریای شادمانی و خواسته‌های درون است. آوای امواج این دریا که فروغ شادی بخش آذر پاک، همچون نخستین پرتوهای بامدادی خورشید، بر آن بوسه می‌زند، او را با اهورامزدا همراه می‌سازد. زردشت در برابر نور، فروغ و اخگر فروزان، برای اهورامزدا چنین می‌سراید: این نور، نماینده فروغ مینوی است که در دل هر کسی جای دارد و برای زندگی و آبادانی، او را گرما و نیرو می‌بخشد. آتش دلدادگی و دوستداری که از فروغ بیکران و روشنایی سرشار بارگاه اهورامزدا سرچشمه گرفته و درون دل هر کس نهاده شده است. ای نمازگزار، نمازت را، نیایشت را، با دل پاک و روشن، به آرامی و خلوص نیت بخوان و بدان، این روشنایی که قبله‌گاه و سوی خودکرده‌ای، پرتویی از روشنایی جاودان است که خداوند در دل مردمان نهاده است (نیکنام، ۱۳۹۴: ص ۲۷).

جایگاه آتش در کتب مقدس زردشتیان

مهم‌ترین ابزار در تشریفات و مناسک آیین زردشتی و مظاهر مرتبط با آن، آتش مقدس است و به عنوان نمادی رمزآمیز از الوهیت نامرئی بوده که مانند نخ تسبیح، آسمان، فضا و زمین را به هم متصل می‌سازد. آتش نماد ایمان برای هدایت دعایی است که در آن تجسم یافته است (Stausberg and vevaina, 2015: p 405). در اوستا، به دفعات بر تکریم این عنصر مقدس و مناسک و شعائری که حول محور آن برگزار می‌شوند، تأکید شده است (بویس، ۱۳۸۶: ص ۲۷۳). در مورد تاریخ کتابت اوستا (کتاب دینی زردشتیان) اقوال و نظرات مختلفی بیان شده است: «بنا بر نظر ایران‌شناسان نامدار، شادروان والتر برونو هنینگ (W. B. Henning)، در اواخر دوران اشکانیان و اوایل دوران ساسانیان، نسخه‌های مکتوبی از اوستا وجود داشته است» (مزدایور، ۱۳۹۵: ص ۷۶). نکته مهم درباره تقدس آتش آن

است که پس از آمدن زردشت و سرود گاهان و حفظ و کتابت آن در ادوار بعد اعتقاد عمیق دینی مبنی بر وجود ایزد آثر در این متن دینی، شعله‌های آتش را نه تنها شراره‌های عنصری سودرسان دانستند بلکه آن را جلوه‌گاه ایزد آثر به شمار آوردند؛ به همین جهت است که آن را مقدس برشمردند و سایر آموزه‌های دین زردشتی و مناسک آیینی را منوط به حضور این عنصر دانستند. در بندهش هفتمین آفرینش مادی آتش است که با هفتمین آفرینش مینوی پیوسته است: «هفتم آتش که درخشش او از روشنی بیکران، جای هرمزد است» (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۰: ص ۴۸). در ادامه به ذکر آتش، نقش، معانی آن و نکات قابل توجه در ارتباط با آن در گاهان و دیگر بخش‌های اوستا می‌پردازیم.

در گاهان که یکی از مهم‌ترین و معتبرترین قسمت‌های کتاب مقدس زردشتیان محسوب می‌شود و اغلب زبان‌شناسان و دین‌پژوهان آن را منتسب به زردشت می‌دانند، واژه آتش ۸ بار به کار رفته است (وحیدی، ۱۳۸۱: ص ۲۸). در دعای اهونودگاه، آتش با اشته قرین آمده است. این قرابت به این دلیل است که آتش در واقع جلوه زمینی اشته دانسته شده است این پیوستگی آتش و اشته (اردیبهشت) را در کهن‌ترین بخش اوستا یعنی گاهان نیز می‌بینیم. (آموزگار، ۱۳۹۸: ص ۲۵۷). در گاهان آتش با صفاتی چون مینویی، فروزان، نیرومند، گرمابخش، یاریگر زردشت و سایر اشوانان و مزددهنده دو گروه بیان شده است.

در یسنا ۳۱ بند ۱۹ در توصیف آتش آمده است:

«به آن کسی باید گوش داد که از راستی برخوردار است به آن دانایی که درمان بخش زندگانی است به آن کسی که برای اثبات کلام خویش در برابر آتش سرخ توای اهورا که از برای قضاوت مدعیان برافروخته شود استوار تواند ایستاد» (پورداود، ۱۳۷۸: ص ۳۱) در این بند از گاهان به نظر می‌رسد که به آزمایش ور توجه کرده است. آزمایش ایزدی که فرد اهلوا از آن سربلند برمی‌آید. همچنین در یسنای ۳۴ بند ۴ بیان شده است:

از زبانه آذر تو ای اهورا که از پرتو اشا زورمند است خواستاریم که به گماشته توانا و پیمان شناس تو خوشی و خرمی بخشد و به دشمن به یک اشاره ای رنج و شکنج» (همان: ص ۵۱). در این بند از گاهان به ارتباط آتش با اشته توجه دارد. از این بند به خوبی به اصل آتش که امشاسپند اشته و هیشته باشد تأکید کرده است. همچنین به نقش یاری رسانی پیمان شناس و عقوبت پیمان شکن اشاره دارد. دوباره در جای دیگر آمده است که «خواستارم که ترا قادر و مقدس بشناسم ای مزدا وقتی که قسمت هر یک را در دست گرفته دروغ پرستان را سزا و دوستاران راستی را پاداش خواهی داد آن هنگامی خواهد آمد که زبانه آذر تو اشا زورمند است مراقوه پاک منشی خواهد بخشید» (همان: ص ۶۳). در این بند به اصل آتش همچون یسنا ۴۳ بند ۴ توجه دارد و پاکی را از آن آتش می داند. این اصل پاک کنندگی و از جمله مطهرات دانستن آتش در این بند نه به ظاهر بلکه به منش زردشت مرتبط است. در این بند از ظاهر آتش به بعد باطنی آن توجه کرده است.

در یسنا ۴۳ بند ۹ بیان شده است: «آنگاه ترا مقدس شناختم ای مزدا اهورا وقتی بود که وهومن به سوی من شتافت و پرسید به چه چیز خود را تشخیص توانی داد (زرتشت گوید) تا مدتی که آتش تو زبانه کشد و من در مقابل آن ستایش کنان فدیه آورم پیرو راستی خواهم بود» (همان، ص ۶۷). در این بند به سنت توجه و روی آوردن به آتش در حین مناسک دینی و اهمیت آن در نزد زردشتیان و اینکه این اصلی مهم است که اول بار مؤسس و پیام آور آنان به آن تأکید داشته است به خوبی اشاره دارد همین یک بند در گاهان برای اثبات این مسئله کفایت می کند که پیام آور در شعله های آن آتش انوار مینوی را مشاهده کرده است.

در یسنا ۶۲ را که درباره نیایش آتش است را از آنجا که به طور خاص به نیایش آتش پرداخته است و به همین نام هم از آن یاد می کنند در نوشته حاضر آن را می آوریم و به معانی و دقایق آن می پردازیم.

یسناهات ۶۲

۱. (زوت وراسپی) یثا اهو وییریو

ستایش و نیایش پیشکش خوب و پیشکش آرزو شده و پیشکشی که از روی دوستی است، آرزومندم از برای تو ای اهورامزدا، تویی برازنده ستایش و برازنده نیایش. باشد که تو به ستایش برازنده و به نیایش برازنده شوی درین خان و مان. خوشا به آن مردی که ترا از روی راستی بستاید، هیزم در دست، برسم در دست، شیر در دست، هاون در دست (پورداد، ۱۳۸۰: ص ۸۱).

۲. آن هیزم که شاید، ترا باد، آن بوی خوش (بخور) که شاید، ترا باد، آن خورش که شاید، ترا باد، آن اندوخته که شاید، ترا باد، برنایی به نگهبانی تو گماشته باد، دین آگاهی به نگهبانی تو گماشته باد، ای آذر پور اهورامزدا. (همان)

۳. تا اینکه درین خان و مان سوزان بوی تا که همواره درین خان و مان سوزان بوی تا که درین خان و مان روشن بوی، در روزگاری دیر پایا تا رستاخیز توانا، همچنان در هنگامه رستاخیز توانا و نیک. (همان)

۴. بده به من ای آذر پور اهورامزدا، بزودی گشایش، بزودی پناه، بزودی زندگی پرگشایش (آسانی)، پر پناه، پر زندگی، دانایی، پاکی، زبان شیوا، روان هوشیار، پس آنگاه خرد بزرگ فراگیرنده نابود نشدنی. (همان)

۵. پس آنگاه دلیری مردانه، همیشه به سر پا ایستاده، بی خواب، در آرامگاه نیز بیدار، فرزندان رسا و کاردان، آیین گستر، کشور و انجمن آرا، باهم بالنده، نیک اندیش، از تنگنا رها نشده، خوب هوش که از برای من افزایش دهنده خان و مان را، دیه را، شهر را، کشور را و نام و آوازه کشور را. (همان)

۶. بده به من، ای آذر پور اهورامزدا، آنچه را که کامروا سازد، اکنون و از برای همیشه بهشت پاکان، روشنایی و همه گونه آسانی تا اینکه من به مزد نیک و نام رسم وزیست خوش از

برای ردان.» (همان)

۷. به همه آواز دهد آذر اهورامزدا: به آن کسانی که از برای آنان می‌پزد شام و سوره چاشت بامداد، از همگان خواستار است پیشکش خوب، پیشکش آرزو شده (دلخواه) و پیشکشی که از روی دوستی است، ای سپیتمان.» (همان)

۸. آذر می‌نگرد به دستهای همه روندگان: چه می‌آورد دوستی از برای دوستی، آن فراز رونده از برای آن آرامش برگزیده» (همان، ص ۸۳).

۹. و اگر او از راه رسنده از روی راستی پیشکش هیزم آورد، از روی راستی برسم گسترده با گیاه هذنا پتا، پس درخواست کند از برای او آذر مزدا اهورا آن آذر خشنود و نیاززده، کامیابی.» (همان)

۱۰. باشد که رمه‌ای از چارپایان از آن تو شود و گروهی از مردان، باشد که منشی ورزیده از آن تو شود و یک زندگی ورزیده، باشد با زندگی شاد به سربری شب‌هایی که زیست خواهی کردن. این است آفرین (درود) آذر از برای کسی که از برای آورد هیزم خشک روشنی نگر بسته، از روی راستی پاک شده» (همان)

۱۱. اسم وهو... (سه بار)

به فراز رفتن و واپس کشیدن آبهای نیک روی آوریم و پذیرفتن آنها را (همان)

۱۲. فرورانه: من خستو شدم (اقرار کردم) که مزدپرست زرتشتی، دشمن دیوها و اهورایی کیشم به هاونی پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین به ردان روز و گاه‌ها و ماه و گهنبارها و سال، ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین» (همان)

۱۳. (زوت) یثا اهو وییریو که زوت به من بگوید.

(راسپی) یثا اهو وییریو که او، زوت به من بگوید.

(زوت) اثا روش اشات چیت هچا که مرد پاکدین دانا بگوید. (همان)

در پشت‌ها که در زمره متون نیایشی کتاب مقدس اوستا دسته‌بندی می‌شود (آموزگار،

۱۳۸۹: ص ۸۴) دوازده مرتبه، پیرامون عنصر آتش سخن به میان آمده است. در این متن نیایشی، آذر همراه با امشاسپند اردیبهشت و بهمن و نیز ایزد دامویش اوپمن ذکر شده است؛ از آن جهت که آذر، در این متن با دو امشاسپند اردیبهشت و بهمن ذکر شده، از فرستادگان سپننه مینیو محسوب می‌شود و وظیفه مبارزه با انگره مینیو و اژدی‌هاک را بر عهده دارد. نکته قابل تأمل آنکه، آذر در این دعا، هدایت‌کننده قلمداد شده و هر کس را که در درونش، میلی نسبت به دروغ و کجی داشته باشد، به راه راست هدایت نمی‌کند (دوستخواه، ۱۳۷۷: ص ۹۸۰).

در ویسپرد که مجموعه‌ای از متونی هستند که در نیایش‌های جمعی تلاوت می‌شوند (آموزگار، ۱۳۸۹: ص ۷۴) از عنصر آتش نه بار سخن به میان آمده است. در کنار القاب ویژه‌ای که برای آذر در نظر گرفته است، از ایزدان آذر نژاد و درست‌کرداران آذر نژاد سخن به میان آمده و گله و رمه عطاشده توسط آتش را مورد ستایش قرار داده است. در این بخش، به آذر عناوینی چون رَد بزرگوار، اشون و ای رَد اشونی داده شده است. به یک نمونه از آن در زیر اشاره می‌شود: ای آذر اهوره مزدا! ای اشون! ای رَد اشونی! تو را می‌ستایم (ویسپرد، کرده ۷: ۵).

در خرده اوستا یا اوستای کوچک، شامل مجموعه‌ای از ادعیه و اوراد که زردشتیان عوام، در زندگی روزمره خود، به صورت روزانه بر زبان جاری می‌کنند (آموزگار، ۱۳۸۹: ص ۱۰۲) همانند بخش یسنه‌ها، درباره انواع آتش مطالبی ذکر شده است. نکته جالب توجه این است که در این بخش، از ارتباط آذر با ایزد نریوسنگ، سخن گفته شده است. برای آذر، از صفت، یاریگر زردشت در جدال با دروج، بهترین جنگجو یاد کرده و آذر را ایزد خوب‌گنش و ایزد درمان بخش، معرفی نموده است. در این باره نمونه زیر ذکر می‌شود:

ای آذر اهوره مزدا! کوه ریوند مزدا آفریده، فَر کیانی مزدا آفریده، آذر اهورامزدا، ای اشون ارتشتاران! ای ایزد فَره‌مند! ای ایزد درمان بخش! ای آذر اهوره مزدا با همه آتش‌ها! ای ایزد

نریوسنگ! آذرِ نافع شهریاری! شما را ستایش و نیایش و خوشنودی و آفرین! (خرده اوستا، آتش بهرام نیایش: ۶)

وندیداد که سومین متن بزرگ اوستایی است و در حین مراسم درونی که تنها در درون آتشکده یا در مهر برگزار می شود، تلاوت می گردد. وندیداد که یک متن نیایشی دسته جمعی است، همانند ویسپرد به تنهایی خوانده نمی شود، بلکه همراه با یسن هایی که خود با ویسپرد گسترش یافته، تلاوت می شود (آموزگار، ۱۳۸۹: ص ۷۶). در این متن نیایشی، بیشتر به آیین ها و احکام دینی حول آتش سخن به میان آمده است. به کرات آتش، پسر اهورامزدا عنوان شده و به قوانینی در خصوص حرمت آتش فروزان و میزان کرفه آنان، پادافره اهانت و آلوده کردن این عنصر مقدس، نحوه پاک سازی جسم از آلودگی دیوها، مطرح شده است. نکته قابل توجه آنکه، در این بخش از کتاب مقدس نکته جالبی در خصوص فردی که از گناهی آمرزیده شده بیان می شود، این فرد در روز رستاخیز با یکی از این صفات آتش داد، آتش تبار، آتش زاد و آتش بوم، از سوی ایزد سروش، مورد خطاب قرار خواهد گرفت (دوستخواه، ۱۳۷۷: ص ۸۵۵).

نتیجه

یافته های این پژوهش به ما نشان می دهد که از زمان دریافت پیام آسمانی اشوزردشت، آتش در قلب زندگی عبادی و آیینی زردشتیان جای داشته و در خود مفاهیم عمیق الهیاتی و رمزآمیز نهفته دارد. آتش مهم ترین کانون پرستش و عبادت پیروان مزدیسنا به حساب می آید. مجاهدت ها و ممارست های مداوم زردشتیان، برای حفاظت و نگهداری از آتش مقدس، در طول قرن ها، تحمل مشقت های فراوان، مهاجرت های داخلی و خارجی از سرزمین مادری، صرفاً برای حفاظت از عنصر آتش نبوده و نیست، بلکه آنان به تأسی از پیامبرشان، در شراره های آتش در حین اجرای مناسک دینی و آیینی، الوهیتی نامرئی

دریافت نمودند که فروغ درونی‌شان را با فروغی که در بارگاه اهورامزدا نورافشانی می‌کند، متصل ساخته و پیوند ناگسستنی میان ایشان و اهورامزدا برقرار می‌نماید. این پیوند که بنا بر سنت دینی و آیینی زردشتیان، روزانه پنج مرتبه، پس از انجام تطهیر آیینی انجام می‌شود، از آن به عنوان نماز یا نیایش یاد می‌شود. نمازگزار باید این عمل را ایستاده در مقابل آتش انجام دهد، آتش به او یاری می‌دهد که اندیشه‌اش را بر حقیقت و عدالت اهورامزدا متمرکز نماید. فرد به‌دین این عبادت روزانه را باید در مقابل یکی از این فروغ‌ها، به صورت ایستاده انجام دهد: نور، فروغ آتش، آفتاب، چراغ، شمع، آذرخش، روشنایی ماه، روشنایی ستاره و چنانچه هیچ‌یک از این فروغ‌ها و روشنایی‌ها در دسترس نباشد، فرد می‌تواند در روشنایی‌های مصنوعی، نیایش خود را انجام دهد و پیوند خود را با مرکز آفرینش برقرار سازد. آتش برای به‌دینان و زردشتیان، به سان قبله‌ای است که پیروان هر دین، برای برگزاری مناسک دینی، انجام نیایش و ستایش به بارگاه هستی بخش خویش در نظر گرفته و به آن سوری می‌نهند. بدین سان، قوای نیکی را فزونی داده و حرکتی مهم در شکست اهریمن و نیروهای اهریمنی انجام خواهند داد. نکته قابل توجه این است که با بررسی آیات کتاب مقدس اوستا، پیرامون آذر و آتش می‌توان دریافت که تقدس آتش در نزد زردشتیان، عنصر آتش نیست بلکه الوهیتی است که در آن نهفته و در حین اجرای مناسک دینی و آیینی، به‌دینان این الوهیت را در شراره‌های آتش درک نموده و با آن پیوند معنوی و مینوی برقرار می‌کنند. آتش نقش الوهی در کتاب مقدس داشته و جامع اسما و صفات اهورامزدا است. درج مطالب گسترده‌ای پیرامون صفات و القاب آذر، در کتاب مقدس، نقش الوهی آتش را به به‌دینان یادآوری می‌نماید؛ چراکه آتش و آذر را جامع اسما و صفات اهورامزدا برشمرده است. بر طبق یافته‌های این پژوهش، به سهولت می‌توان دریافت که پیروان سایر ادیان، از روی ناآگاهی یا مغرضانه، در طول قرون متمادی، زردشتیان را متهم به آتش پرستی می‌نمودند که افتراقی ناصواب و به دور از واقعیت است.

منابع

- قرآن کریم، سوره طه/۱۲.
- عهدین، (۲۰۰۲ م)؛ چاپ سوم؛ تهران: انتشارات ایلام.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۹ ش)؛ تاریخ ادبیات فارسی؛ تهران: انتشارات سخن.
- آموزگار، ژاله (۱۳۹۸ ش)؛ مقالات احمد فضل‌ی؛ چاپ دوم؛ تهران: انتشارات توس.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۳ ش)؛ دین‌ها و کیش‌های ایرانیان در دوران باستان به روایت شهرستانی؛ تهران: انتشارات هیرمند.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۹۴ ش)؛ دانشنامه مزدیسنا؛ تهران: انتشارات جهانگیر اوشیدری.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۹ ش)؛ نور، آتش، آتشکده در آیین زرتشت؛ تهران: انتشارات مرکز.
- ایونس، ورونیکا (۱۳۷۳ ش)؛ اساطیر هند؛ ترجمه: باجلان فرخی؛ تهران: انتشارات اساطیر.
- بختورتاش، نصرالله (۱۳۸۶ ش)؛ نشان رازآمیز؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات آرتامیس.
- بویس، مری (۱۳۸۱ ش)؛ تاریخ کیش زرتشت، ج ۱؛ ترجمه: همایون صنعتی‌زاده؛ تهران: انتشارات گستره.
- بویس، مری (۱۳۸۶ ش)؛ آیین زرتشت کهن روزگار و قدرت ماندگارش؛ ترجمه: ابوالحسن تهامی؛ تهران: انتشارات نگاه.
- بویس، مری (۱۳۹۳ ش)؛ کانون دین زرتشتی در ایران؛ ترجمه: حسین ابراهیمیان؛ تهران: انتشارات توس.
- پرون، استیون (۱۳۸۱ ش)؛ اساطیر رُم؛ ترجمه: باجلان فرخی؛ تهران: انتشارات اساطیر.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۸۰ ش)؛ یسنا؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات اساطیر.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۷۸ ش)؛ خرده اوستا؛ چاپ پنجم؛ تهران: انتشارات اساطیر.
- دادگی، فرنخ (۱۳۸۰ ش)؛ بندهش؛ ترجمه: مهرداد بهار؛ چاپ دوم. تهران: انتشارات توس.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۷۷ ش)؛ تعلیقات اوستا؛ تهران: انتشارات مروارید.
- راشد محصل، محمد تقی (۱۳۶۹ ش)؛ نجات بخشی در ادیان؛ تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۰ ش)؛ هزاره‌های گمشده، ج ۱؛ چاپ اول، تهران: انتشارات توس.
- رضی، هاشم (۱۳۷۹ ش)؛ حکمت خسروانی؛ چاپ دوم؛ تهران: انتشارات بهجت.

روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۳ ش)؛ آیین‌ها و جشن‌های کهن د ایران امروز؛ چاپ سوم؛ تهران: انتشارات آگاه.
ژی‌ران و دیگران، ف، گ، لا کوئه (۱۳۸۶ ش)؛ اساطیر آشور و بابل؛ ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور؛ تهران:
انتشارات کاروان.

صالحی علامه، مانی (۱۳۸۸ ش)؛ اساطیر جهان (چین: کشمکش و نبرد قدرت) (ژاپن: فرقه‌ها و
شعائر آیینی)؛ تهران: انتشارات مهاجر.

طبری، عمادالدین (۱۳۵۶ ش)؛ تفسیر پهلوی، به کوشش حبیب یغمایی؛ تهران: انتشارات توس.
عفیفی، رحیم (۱۳۸۳ ش)؛ اساطیر و فرهنگ ایران؛ چاپ دوم؛ تهران: انتشارات توس.
فریزر، جیمز جورج (۱۳۸۷ ش)؛ شاخه زرین؛ ترجمه: کاظم فیروزمند؛ چاپ پنجم؛ تهران: انتشارات آگاه.
کریستی، آنتونی (۱۳۸۴ ش)؛ اساطیر چین؛ ترجمه: محمدرضا باجلان فرخی؛ چاپ دوم؛ تهران:
انتشارات اساطیر.

مزدایور و همکاران، کتابون (۱۳۹۵ ش)؛ ادیان و مذاهب در ایران باستان؛ تهران: انتشارات سمت.
مک کال، هنریت (۱۳۷۵ ش)؛ اسطوره‌های بین‌النهرین؛ ترجمه: عباس مخبر؛ تهران: انتشارات مرکز.
وحیدی، رستم (۱۳۸۱ ش)؛ یسنای ۶۲ نیایش آتش در دین زردشتی؛ چاپ اول پاییز؛ انتشارات فروهر.
وایت، آن تری (۱۳۶۹ ش)؛ آدمیان نخستین؛ ترجمه: فریدون بدره‌ای، چاپ اول؛ تهران: سازمان
انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

همیلتون، ادیت (۱۳۷۶ ش)؛ سیری در اساطیر یونان و روم؛ ترجمه: عبدالحسین شریفیان؛ تهران:
انتشارات اساطیر.

نیکنام، کوروش (۱۳۹۴ ش)؛ یادگار دیرین: آیین‌ها، مراسم و باورهای مذهبی-سنتی زرتشتیان ایران؛
تهران: انتشارات فروهر.

Boyce, Mary, ON THE ZOROASTERIAN TEMPLE CULT OF FIRE", Journal of the
American Oriental Society vol.95, no.3, 1975.

Stausberg, Michael, and Yuhan Sohrab-Din shaw Vevaina, THE WILEY BLACK
WELL COMPANION TO ZOROASTRIANISM', the atrium, southern gate,
chichester west Sussex 2015.

References

- Abolqassemi, Mohsen. (2004). *The Religions and Creeds of the Iranians in Ancient Times According to Shahrestani*. Tehran: Hirmand Publications.
- Afifi, Rahim. (2004). *Mythology and Culture of Iran*. 2nd ed. Tehran: Toos Publications.
- Amouzgar, Zhāleh. (2010). *History of Persian Literature*. Tehran: Sokhan Publications.
- Amouzgar, Zhāleh. (2019). *Articles of Ahmad Tafazzoli*. 2nd ed. Tehran: Toos Publications.
- Boyce, Mary. (1975). On the Zoroastrian temple cult of fire. *Journal of the American Oriental Society*, 95(3).
- Boyce, Mary. (2002). *A History of Zoroastrianism*, Vol. 1. Translated by Homayoun Sanati-Zadeh. Tehran: Gostareh Publications.
- Boyce, Mary. (2007). *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices and Their Enduring Power*. Translated by Abolhassan Tahami. Tehran: Negah Publications.
- Boyce, Mary. (2014). *The Heartland of Zoroastrianism in Iran*. Translated by Hossein Ebrahimiān. Tehran: Toos Publications.
- Christensen, Arthur. (2005). *Chinese Mythology*. Translated by Mohammad-Reza Bajelan Farrokhi. 2nd ed. Tehran: Asatir Publications.
- Dadagi, Farnbag. (2001). *Bundahishn*. Translated by Mehrdad Bahar. 2nd ed. Tehran: Toos Publications.
- Dostkhah, Jalil. (1998). *Commentaries on the Avesta*. Tehran: Morvarid Publications.
- Fraser, James George. (2008). *The Golden Bough*. Translated by Kazem Firouzmand. 5th ed. Tehran: Agah Publications.
- Hamilton, Edith. (1997). *Mythology: Timeless Tales of Gods and Heroes of Greece and Rome*. Translated by Abdolhossein Sharifian. Tehran: Asatir Publications.
- The Holy Qur'an*. Surah Ta-Ha, 20:12.
- The Old and New Testaments*. (2002). 3rd ed. Tehran: Elam Publications.
- Iones, Veronica. (1994). *Myths of India*. Translated by Bajelan Farrokhi. Tehran: Asatir Publications.
- Jirand, F. G. Lacoue, et al. (2007). *Myths of Assyria and Babylon*. Translated by Abolqasem Esmaeilpour. Tehran: Karvan Publications.
- McCall, Henriette. (1996). *Mesopotamian Myths*. Translated by Abbas Mokhber. Tehran: Markaz Publications.

- Mazdapour, Katayoun, et al. (2016). *Religions and Religious Traditions in Ancient Iran*. Tehran: SAMT Publications.
- Niknam, Kourosh. (2015). *Ancient Heritage: The Religious and Traditional Rituals, Ceremonies, and Beliefs of Iranian Zoroastrians*. Tehran: Forouhar Publications.
- Oushidari, Jahangir. (2000). *Light, Fire, and Fire Temple in Zoroastrianism*. Tehran: Markaz Publications.
- Oushidari, Jahangir. (2015). *Encyclopedia of Mazdaism*. Tehran: Jahangir Oushidari Publications.
- Pourdavoud, Ebrahim. (1999). *Khordeh Avesta*. 5th ed. Tehran: Asatir Publications.
- Pourdavoud, Ebrahim. (2001). *Yasna*. 1st ed. Tehran: Asatir Publications.
- Prowne, Stephen. (2002). *Roman Mythology*. Translated by Bajelan Farrokhi. Tehran: Asatir Publications.
- Rashed-Mohassel, Mohammad-Taqi. (1990). *Salvation in Religions*. Tehran: Institute for Cultural Studies and Research.
- Rajabi, Parviz. (2001). *The Lost Millennia*, Vol. 1. 1st ed. Tehran: Toos Publications.
- Razi, Hashem. (2000). *Khosravani Wisdom*. 2nd ed. Tehran: Behjat Publications.
- Ruholamini, Mahmoud. (2004). *Ancient Rituals and Festivals in Present-Day Iran*. 3rd ed. Tehran: Agah Publications.
- Salehi-Allameh, Mani. (2009). *World Mythology: China: Struggles and Power Conflicts; Japan: Sects and Rituals*. Tehran: Mohajer Publications.
- Stausberg, Michael, & Vevaina, Yuhān Sohrab-Dīn Shāh. (2015). *The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism*. Chichester, West Sussex: Wiley Blackwell.
- Tabari, Emad al-Din. (1977). *Pahlavi Tafsir*. Edited by Habib Yaghmaei. Tehran: Toos Publications.
- Vahidi, Rostam. (2002). *Yasna 62: The Prayer of Fire in Zoroastrianism*. 1st ed., Autumn. Tehran: Forouhar Publications.
- White, Anne Terry. (1990). *The First Men*. Translated by Fereydoun Badrei. 1st ed. Tehran: Organization for the Publication and Education of the Islamic Revolution.